

## نمونه از خط شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا\*

به قلم آقا میرزا محمد خان قزوینی از پاریس

در کتابخانه ملی پاریس در جزو نسخ خطی عربی در تحت نمره ۲۸۵۹ یک نسخه قدیمی نفیسی محفوظ است که چنانکه ذیلاً مذکور خواهد شد دارای اهمیت مخصوصی است.

نسخه مذکوره به قطع وزیری به طول ۲۸ سانتی‌متر و عرض ۲۰ سانتی‌متر (یعنی سه سانتی‌متر طولاً و عرضاً بزرگ‌تر از قطع مجله «آینده») و دارای ۸۶ ورق یا ۱۷۲ صفحه، هر صفحه ۲۸ سطر است، و به خط نسخ درشت قدیمی بر روی کاغذ ضخیم نخودی رنگ نوشته شده است، و عبارت است از مجموعه از کتب طبیه از مؤلفات جالینوس که به توسط حنین بن اسحاق عبادی مترجم معروف (سنه ۲۶۴-۱۹۴ هجری) از یونانی به عربی ترجمه شده است.

ابتدا رساله مختصری است که عنوانش این است: «کتاب الفاضل جالینوس فی فرق<sup>(۱)</sup> الطب للمتعلّمین نقل ابی زید حنین بن اسحاق المتطبّب» و این رساله یازده ورق است، و سپس کتاب مبسوطی است که عنوان آن این است: «کتاب الفاضل جالینوس فی الاشیاء الخارجة عن الطبیعة المعروف بکتاب

---

\*. آینده، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۰۶، ص ۹۱۰-۹۰۵.

العلل و الاعراض نقل ابی زید حنین بن اسحاق المتطبب» و این کتاب مرکب است از شش مقاله مستقل مجزا از یکدیگر که در حقیقت شش تألیف جداگانه و هر یک دارای عنوانی مخصوص‌اند، ولی چون تفصیل در این موضوع بالاصاله محل حاجت ما نیست از ذکر آن عناوین صرف‌نظر نمودیم<sup>(۲)</sup>، و مجموع این مقالات است ۷۵ ورق است.

تاریخ کتابت این نسخه در آخر کتاب «سنه اثنین و ثلاثین و مائیتین» نوشته شده است ولی از وضع خط و املا و کاغذ و سایر قراین جزئی دیگر قریب به یقین است که تاریخ مذکور الحاقی باید باشد و اصل نسخه اقلماً دو قرن مؤخرتر از این تاریخ و ظاهراً در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم یعنی در حدود ۴۰۰ هجری استنساخ شده است، و تاریخ ۲۳۲ را گویا در همان ازمنه قدیمه یکی از مالکین کم شرافت این نسخه به قصد اینکه آن را معاصر خود حنین بن اسحاق (۲۶۴-۱۹۴) به قلم دهد الحاق نموده است.

در پشت ورق اول این نسخه یادداشت‌های متعددی از مالکین مختلفه آن در اعصار مختلفه مسطور است، یکی از این یادداشت‌ها که محل شاهد ما و غرض اصلی از این مقاله است چند کلمه مختصری است که ظاهراً و به ظن بسیار قوی به خط شیخ‌الرئیس ابوعلی سینای معروف است، و این یادداشت چنانکه در صفحه عکس منتشره در این نمره ملاحظه می‌شود در بالای صفحه در طرف دست راست واقع و اغلب کلمات آن بی نقطه است و عین عبارت آن این است:

فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله ابن سینا المتطبب فی سنة سبع و

اربعماية

(یعنی در ملک و حیازت فقیر حسین بن عبداللّه بن سینای طبیب در سال چهارصد و هفت)، و چون وفات شیخ در سنه ۴۲۸ است پس این یادداشت را قریب ۲۱ سال قبل از وفات خود نوشته بوده است، و ظاهراً شیخ در آن اوقات در همدان اقامت داشته است.

و ملاحظه می‌شود که شیخ «متطبّب» امضاء کرده است نه «طیبیب» چنانکه حنین بن اسحاق نیز همین کار را کرده است، و گویا این یک نوع فروتنی بوده است از ایشان که نمی‌خواستند خود را در عداد اطبای بزرگ مثل بقراط و جالینوس و غیرهما که لقب «طیبیب» احتراماً مختص به آنها بایستی باشد تعداد نمایند بلکه تواضعاً خود را از مشتبهین به اطباء و متطفّلین بر آن جماعت محسوب می‌داشته‌اند.

و نیز ملاحظه می‌شود که شیخ با همه استغراق وقت و حواس خود در تحصیل علوم عالیّه باز از رعایت قواعد جزئیّه رسم‌الخط و املا غفلت نمی‌ورزیده است، چه دیده می‌شود که شیخ ابتدا «حسین بن عبدا» نوشته است بدون الف در این به قاعده معروفه اسقاط الف ابن واقع بین العلمین، ولی در مورد ثانی یعنی «ابن سینا» چون کلمه ابن در ابتدای سطر واقع شده بوده و در این مورد احسن اثبات الف است شیخ آن را با الف نوشته است و مساهله در این قاعده بسیار جزئی املائی را به خود اجازه نداده است.

و اینکه گفتیم به ظن بسیار قوی این یادداشت خط شیخ است و نگفتیم به‌طور قطع و یقین به این ملاحظه است که در امثال این موارد (یعنی در مواردی که از دلایل خارجی خط کسی بطور قطع و یقین معروف نباشد) حصول علم قطعی به انتساب خطی به شخص مفروضی تقریباً از محالات است، زیرا که

احتمال تعدد شخصین یا احتمال تقلب و تزویر در خط عاده ممتنع نیست، ولی سیره علوم عقلا بر این جاری است که ظن را در امثال این موارد کافی می‌دانند به این معنی که (اگر قرائن قطعیه یا ظنیه برخلاف قائم نباشد مانند بسیاری از مصاحف شریفه که خطوط آنها منسوب به یکی از ائمه اطهار است) مجرد امضای اسم و نسب و شغل و حرفه و سایر مختصات را که کسی بدان معروف بوده است کافی در صحت انتساب آن خط به آن شخص می‌دانند و احتمال تعدد شخصین و توارد اسمین یا احتمال تزویر و تقلب را در آن راه نمی‌دهند و اگر فتح باب اینگونه احتمالات را بنماییم در اغلب خطوط منسوبه مشاهیر رجال تاریخی بلکه در جمع آنها شک خواهیم نمود و دیگر هیچ راهی برای اثبات انتساب خطوط گذشتگان به صاحبان آنها برای ما باقی نخواهد ماند.

علاوه بر همه اینها در مورد مانحن فیه احتمال تعدد شخصین بسیار مستبعد است زیرا که در این مورد بخصوص اجتماع پنج توارد معاً لازم است تا تعدد شخصین حاصل شود: یکی توارد اسم هردو (حسین)، دیگر توارد اسم پدر هردو (عبدالله)، سوم توارد اسم جد هردو (سینا که از اسامی بسیار نادره و به همین جهت احتمال توارد در آن ضعیف‌تر از تواردات دیگر است)، چهارم اتحاد شغل هر دو یعنی طبابت، پنجم اتحاد عصر هر دو، چه اگر اشتراک دو شخص در اسم خود و اسم پدر و اسم جد و در شغل در ازمنه مختلفه تا اندازه نادر است در یک عصر و در یک سال معین مفروض (۴۰۷) بلاشک نادرتر و بعیدالوقوع‌تر است، و احتمال تقلب نیز (قطع نظر از آنکه گفتیم که سیره عقلا بر عدم اعتنا به اینگونه احتمال است) در مورد ما به غایت ضعیف است چه اگر امضای شیخ کاریک متقلبی می‌بود اصلح برای او این بود که کتیبه شیخ را یعنی «ابوعلی» را که شیخ به

مراتب بدان معروف‌تر است تا به اسم خود بر آن اضافه نماید، وانگهی بایستی یادداشت مذکور را قدری واضح‌تر و جلی‌تر و برجسته‌تر و شاید باعبارتی قدری مطول‌تر بنویسد تا جلب انظار را نماید نه آنکه در گوشه تاریک صفحه چند کلمه مختصر بدون نقطه با قلم بسیار ریز خفی رقم نماید.

باری به ظن بسیار قوی بلکه تقریباً به‌طور قطع و یقین می‌توان گفت که این خط و امضای مسطور در ورق اول این نسخه خط دستی خود شیخ‌الرئیس ابوعلی سیناست، و عقیده بارون دوسلان<sup>(۳)</sup> مؤلف فهرست نسخ عربیه کتابخانه پاریس نیز همین است،<sup>(۴)</sup> و راقم سطور مکرر بعضی از فضلالی مصری و هندی را دیده است که در عبور از پاریس مخصوصاً به قصد زیارت این دستخط شریف شیخ به کتابخانه ملی آن شهر رفته‌اند.

مقصود این است که انتساب این خط به شیخ عقیده خصوصی این ضعیف و اجتهاد شخصی او نیست بلکه امری است مشهور هم نزد مستشرقین و هم نزد فضلالی مسلمین، و این شیاع خود تا اندازه‌ای موجب اطمینان قلب است به صحت انتساب این خط به آن فیلسوف بزرگ و آن افتخار نوع بشر عموماً و ایرانیان خصوصاً این صفحه عکس که در این شماره طبع شده است مشتمل بر نصف صفحه اصلی است نه تمام صفحه چه تمام صفحه از قطع مجله آینده خیلی بزرگ‌تر است، و با اینکه نصف صفحه است معذک حاشیه دست چپ صفحه را اضطراراً به ملاحظه اینکه عرض‌اش از عرض مجله «آینده» خیلی بیشتر است به دستورالعمل من عکاس عکس نینداخته است، و آن قسمتی را هم که عکس انداخته است بدبختانه به قدر قلیلی (قریب دو سانتی متر طولاً و عرضاً) از معادل اصلی خود کوچک‌تر است، و با وجود سفارش اکید به کلیشه‌ساز که

کلیشه را به اندازه اصل عکس بسازد باز وقتی که آن را فرستاد دیدم که نمی دانم به چه علتی از اصل عکس اندکی کوچک تر ساخته است، و چون وقت تنگ و شماره «آینده» تحت الطبع بود دیگر فرصت ساختن کلیشه مجددی به بزرگی اصل باقی نمانده بود.

### یادداشت‌ها:

۱. فرق بکسر فاء و فتح راء جمع فرقه است چه در این کتاب از عقاید فرق مختلفه اطبا که مؤلف آنها را اصحاب التجارب و اصحاب القیاس و اصحاب العیال می نامد بحث می شود، - و نقل به معنی ترجمه است از زبانی به زبانی دیگر و نقله در اصطلاح قدما به معنی مترجمین است.
۲. عبارت ابتدای رساله اول این است: «قال الفاضل جالینوس ان قصد الطب التماس اصحّه و غایته احرازها فالطیب مضطر ان يعلم الاشیاء التي تفید الصحّة.. افقدت و الاشیاء التي تحفظها اذا كانت موجودة، و عبارت ابتدای کتاب: «قال الفاضل جالینوس ان اول ما ینبغی لنا ان تذکره ما التي الذی نسیمه مرضا و ابن ابی اصیبعه در کتاب طبقات الاطباء طبع مصر ج ۱ ص ۹۰ و ۹۳ هر دو تألیف مذکور را در جزو مؤلفات جالینوس اسم می برد و عناوین مخصوصه هر یک از مقالات شش گانه کتاب العلیل والاعراض را به دست می دهد، هر که خواهد بدانجا رجوع نماید.

3. Maron de Slane.

۴. رجوع کنید به فهرست مذکور در تحت نمره ۲۸۵۹.